

اطلاعیه سازمان بنیاد سبت قیام و سیا هکل

سیاهکل سمبل عزیمت و استواری در مبارزه

تجارب قیام و سیا هکل را پاس داریم

۵

۲۲ سال حیات سراسر افتخار آفرین سازمان را که هر لحظه آن سرشار از تلاش و مبارزه قهرمانانه در راه آرمانهای سترگ طبقه کارگر و اهداف فشریف و انسانی تمام زحماتش است پشت سر میگذاریم و بیست و سومین سال مبارزه ای را که رفقای ما در ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ در سیا هکل آغاز نمودند، ادامه میدهیم.

این مبارزه که آغاز حرکت نویینی در مبارزه متشکل کمونیستهای ایران بود برغم پاره ای نقاط ضعف، تا شیرا تیس شکر فرغ نیت و روحیه انقلابیون کمونیست! بیرون بر جاینها دویه سالها بحث و مجادله جی حال بر سر این مسئله که چه باید کرد نویی عملی و سستی شایان یا نیکشید. این حرکت نویین که پراتیک انقلابی را برای دیگر گونی وضع موجود در دستور کار قرار داد در مدتی بسیار کوتاه

کمیتته های مخفی کارخانه یگانه بدیل برای متشکل ساختن کارگران در وضعیت موجود

وضعیت طبقه کارگر و تشدید استعمار آنها افزوده است. اختناق و سرکوب و بیحقوقی که رژیم جمهوری اسلامی به مردم ایران تحمیل کرده است، سنگین ترین لطمه را به طبقه کارگر وارد آورده است سنگینی این لطمه بعدی است که طبقه کارگر از حداقل حقوق برای ایجاد اتحادیه های کارگری که لازمه یک مبارزه متحد و متشکل کارگران برای تحقق درخواستهای اقتصادی و رفاهی است محروم میاشد. این محرومیت کارگران از حقوق تشکل به سرمایه داران و دولت آنها امکان داده است که مبارزات کارگران را بیرحمانه سرکوب

طبقه کارگر ایران در ناسا عدتریسن و دشوارترین شرایط درگیر یک مبارزه با سرمایه داران و دولت پاسدار مانع آنهاست. بحران اقتصادی بیشترین فشار و لطمه را به طبقه کارگر وارد آورده است. تعداد دکشیری از کارگران بیکار و از تامين حداقل معیشت محروم اند. طی چند سال گذشته دستمزدهای واقعی کارگران در نتیجه تورم افسار گسیخته پیوسته کاهش یافته است و بالنتیجه سطح معیشت کارگران بنحویت آوری تنزل نموده است. وضعیت طبقه کارگر تنها بطور نسبی بلکه بشکل مطلق وخیم تر شده است. رژیم با اتخاذ یکرشته سیاستهای فوق ارتجاعی بروخاست

۷

رکود تولیدات صنعتی و چشم انداز وخامت اوضاع اقتصادی رژیم

رژیم جمهوری اسلامی زسال ۶۷ به بعد با تبلیغات گسترده و مداوم خود در زمینه رشد اقتصادی همراه با ذکر پاره ایرقام ادعائی نرخ رشد، خواسته است چنین وانمود کند که دولت است رفسنجانی قدرت معضلات و مشکلات اقتصادی را بر طرف ساخته و تولید را سر و سامان دهد. این ادعاها و تبلیغات اگر چه بهیچوجه خاتمه نیافته و هنوز هم توسط برخی زساران رژیم و بویژه از سوی رفسنجانی عنوان میشود، معهدا اکنون مدتتهاست که

در کنار این مسائل، نکات دیگری سوا ی این ادعاها نیز عنوان میشود. جمهوری اسلامی که مدتتهاست به ورشکستگی مالی دچار شده است و وظیفه همین چند سال پس از خاتمه جنگ نیز هیچگاه نتوانست حالت رکود در بخشهای مختلف تولید را بطور کامل زمینسان بردارد و یا حتی در پرتوجا روحنا لها ی تبلیغاتی و نهایتا تا میانها را رقم چند درصدی ادعائی نرخ رشد - آنهم البته به بهای تورم بیشتر و تشدید

۳

حدود ۲۰ هزار کارگر ذوب آهن اصفهان

در معرض اخراج

از همان هنگام که رفسنجانی و جناح وی برای "نجات" اقتصاد کشور یعنی نجات جمهوری اسلامی از سرنگونی یا شعار "ای زسازای اقتصاد" پسای به میدان گذاشتند، بر همگان روشن بود که ایمن "ای زسازای" اگر چه ممکن است با مدد جوشنی از قدرتها ی امپریالیستی گشایشی موقت در اوضاع جمهوری اسلامی ایجاد کند اما نتیجه محتوبش

۴

فراخوان کمک مالی

رفقای! اعضاء، هواداران، دوستان و خوانندگان نشریه کار را فرما زمان انقلابی برای پیشبرد وظائف انقلابی خود به مسابیح و امکانات مالی نیازمند است. بنیهای است که منبع اصلی این تامین مالی نیز جز اعضاء، هواداران و همه زحمتکشانی که به سازمان سمبائی دارند، کس دیگری نیست. همانگونه که همگان مطلعند، مدتی است که به علت شرایط اقتصادی حاکم بر جنبش، میزان این کمکها کاهش یافته و سازمان در همسابقه مالی قرار دارد. لذا وظیفه انقلابی حکم میکند که با تمام قوا برای رسیدن به سر به سازمان جاری رسانند و با کمکهای مالی خود سازمان را در مسیر پیشبرد وظائف انقلابی اش یاری دهید.

واکنش سران رژیم در قبال محکومیت بین المللی

۱۶

با دستهای سیاسی

★ ولایت مطلقه خامنه ای و تشدید اختلافات حکومتی

۱۶

★ کسترش دامنه میلیتاریزم در جامعه، نشان ضعف است نه اقتدار!

۱۱

فراخوان اتحادیه سندیکاهای آلمان DGB علیه نژادپرستی ۱۷ اکتبر ۱۹۹۲

۹

کمیته های مخفی کارخانه یگانه بدیل برای متشکل ساختن کارگران در وضعیت موجود

کنند و حتی مطالبات ابتدائی آنها را ندیده انگارند. البته این گفته بدان معنا نیست که نتیجه این بحقوقی و سرکوب، کارگران دست از مبارزه برداشته و یا بهر تحمیل سرمایه داران ورژیم تن داده اند. تمام واقعیت های دوران زمانداری جمهوری اسلامی نشان داده است که مبارزه کارگران ایران پیوسته ادامه داشته و برغم فشارها و سرکوبهای ورژیم، کارگران در موارد متعددی با مبارزه متحد و یکپارچه خود در یک کارخانه و یا حتی یک رشته تولید توانسته اند سرمایه داران و دولت آنها را به عقب نشینی وادار نمایند و بر خسی خواسته های خود را به آنها تحمیل کنند. مبارزه کارگری می تعطیل بردار نیست. حتی عریا نترین دیکتاتوری ها نظیر دیکتاتور جمهوری اسلامی هم نمیتوانند توقیفی در مبارزه کارگران پدید آورند. مبارزه برای کارگران یک مسئله مرگ و زندگی است. طبقه کارگر بدون مبارزه هیچ موجودیتی نخواهد داشت. لذا برغم تمام تضییقات و فشارهای موجود طبقه کارگر به مبارزه خود ادامه داده و خواهد داد. در این روند مبارزه، همبستگی میان کارگران رشد کرده و خواهد کرد. بارزترین تجلی این مسئله هم در شرایط اختناق تعدادی است که با تکراری است. با تمام این اوصاف باید اذعان نمود که همانا بی علمت عدم تشکل کارگران، حتی فقدان تشکل های مستقل و یا پیدار صنفی، نا کامی های کارگران در مبارزه علیه سرمایه داران کم نبوده است. از اینرو وظیفه تمام جریانات پیشرو کارگری است که پیگیرانه برای متشکل ساختن کارگران تلاش کنند. اگر این حقیقتی است که مبارزه کارگران علیه سرمایه داران تحت هر شرایطی جریان دارد، اگر این حقیقتی است که برغم بی حقوقی عموم توده مردم ایران و اختناق و سرکوب ورژیم، مبارزه کارگران ایران بلاوقته ادامه داشته و خواهد داشت پس باید بررسی راهها و ابزارهای برای ایجاد تشکل های غیر حزبی در میان کارگران بود که منطبق بر شرایط موجود بوده و بتواند به تشکل کارگران و مبارزه متحد آنها علیه سرمایه داران پیاری رساند. این مسئله، مسئله ای نیست که امروز مطرح شده باشد. چندین سال مداوم است که در جنبش ما مکرر بر سر این مسئله بحث شده و برغم اینکه تجربه و گذشت زمان در محدوده ای صحت و سقم نظرات و راه حل های پیشنهادی را نشان داده و حتی در پاره ای موارد خود کارگران، مستقلا و با ابتکار خویش اشکال معینی از تشکل را که منطبق بر شرایط کنونی است ایجاد نموده اند، با این همه نه این روند جمع بندی شده و نه نظروا حدی وجود دارد. هستند جریاناتی که هنوز شعار تشکیلی است. اینان نه تنها هیچ درسی از تجربیات

است که در آن دسته از کشورها می کدیکتاتوری و سرکوب اما ننداده است این اتحادیه ها پس بگیرند، طبقه کارگر از نظر اقتصادی و سیاسی لطمات شدیدی متحمل شده است. از آنچه که در مورد نقش و اهمیت اتحادیه ها گفته شد چه نتیجه ای بدست می آید؟ این نتیجه که پرولتاریای ایران نیز برای پیشبرد مبارزه خود به اتحادیه نیاز دارد و ما باید برای ایجاد و آزادی اتحادیه ها در ایران تلاش کنیم. اما آیا از اینجا این نتیجه هم بدست می آید که کارگران ایران هم اکنون در شرایط سرکوب و اختناق و بی حقوق میتوانند اتحادیه ها را تشکیل دهند؟ پاسخ منفی است. نه تنها در لحظه کنونی که ورژیم دیکتاتور حاکم بر ایران هرگونه تشکل مستقل کارگری را در هم می کوبد، اما تشکل این سازمانها و وسیع توده ای موجود نیست و اصولا کارگران تشکل چنین سازمانها را در لحظه موجودند و رند و هر تلاش حتی میتواند لطمات دیگری به طبقه کارگر وارد آورد، بلکه طرح آن بصورت یک شعار عملی توهم پراکنی در میان کارگران نسبت به ورژیم است. مسئله آزادی اتحادیه ها و حق کارگران به ایجاد تشکل های مستقل طبقاتی جزئی از یک مسئله کلی تر یعنی مسئله آزادیهای سیاسی است. طبقه کارگر ایران نمیتواند بدون بدست آوردن آزادی سیاسی به آزادی اتحادیه ها دست یابد. در عین حال تشکل اتحادیه نه در معنای معمول و شناخته شده آن بعنوان یک سازمان وسیع توده ای علنی بلکه بعنوان سازمان محدود و مخفی نیز در ایران عاالتا ممکن نیست. چرا که اساسا یک سنت اتحادیه ای در میان کارگران وجود ندارد و کارگران در منتهای پراکنندگی بسر میبرند، فاقد این سنت اتحادیه ای هستند، نمیتوانند در اتحادیه های مخفی متشکل شوند با توجه به مجموع شرایطی که فوقا به آن اشاره شد، طرح شعار تشکل اتحادیه ها بعنوان یک شعار عملی در وضعیت کنونی نادرست است و نتیجه ای در پی نخواهد داشت.

در مورد شعار ایجاد دشوراها نیز همین مطلب را میتوان گفت. کسانی که این شعار را در لحظه کنونی مطرح میکنند، مطلقا توجهی به وضعیت جامعه ندارند. آنها این شعار را بدون هرگونه ربط و پیوندی با شکل مبارزه طبقه کارگر و وضع سیاسی جامعه مطرح میکنند. این حقیقت باید بر هر کس که اندک آشنائی با مسائل جنبش کارگری داشته باشد، روشن باشد که دشوراها را مصنوعا نمیتوان ایجاد کرد. دشوراها سازمانهای خودجوش توده ای برای اعمال حاکمیت هستند که تحت شرایط تاریخی و سیاسی معین پدید می آیند جریانات پیشرو کارگری تنها در شرایطی میتوانند شعار ایجاد دشوراها را مطرح نمایند که یک جنبش توده ای علنی وسیع وجود داشته باشد و توده ها آماده انقلاب باشند. بعبارت دیگر هنگامی که سازماندهی نمود تجربه هم بقدر کافی نشان داده

بحران اقتصادی و سیاسی به چنان مرحله حساسی رسیده باشد که یک موج اعتلاء انقلابی وسیع و پر دامنه شکل گرفته باشد، توده‌ها مصممانه برای کسب قدرت بپا خاسته باشند و ارکان حکومت در حال فروریختن باشد. بشکل مشخص تریا بدگفت که شوراها در شرایط اعتبار عمومی سیاسی و قیام شکل میگیرند. اگر کسی با جنبش کارگری جهانی و پدید شوراها در سطح جهانی هم آشنایی نداشته باشد، حداقل با تجربه انقلابی که به سرنگونی رژیم شاه انجامید آشنایی دارد و میداند که شوراها تحت چه شرایطی پدید آمدند و تحت چه شرایطی از میان رفتند. طرح شعار شوراها در خارج از شرایطی که به آن اشاره شد، نه تنها غیر اصولی و توهم برانگیز محسوب میگردد بلکه از آنجا نیکه منطبق بر واقعیات و شرایط نیست از آنجا نیکه بلاجواب خواهد ماند. این البته بدان معنا نیست که ما باید از تبلیغ و ترویج ایده شوراها در میان کارگران و زحمتکشان دست برداریم، بالعکس باید پیگیری آن به تبلیغ و ترویج ایده شوراها و اصول حکومت شورائی در میان کارگران نبرد اخت. نقش و اهمیت شوراها و حکومت شورائی را برای طبقه کارگر توضیح داد و خاطر شوراها را در ذهن آنها زنده نگاه داشت. اما خطاست که از هم اکنون شعار شورا را بعنوان نیک شعار عمل در دستور کار قرار داد و از کارگران خواست در شرایطی که اوضاع هنوز برای ایجاد شوراها رسیده و آماده نیست، شوراها را ایجاد نکنند. کارگران نه تنها هیچ توجهی به این شعار نمیکنند و شورا نمیایجادند بلکه هیچ کمکی به امر تشکیل آنها نشده است.

پس اگر با این توضیحات، امکان ایجاد آنها در دیه و یا شورا در لحظه کنونی وجود ندارد چه باید کرد؟ آیا باید با دیدن انتظار لحظه ای نشست که آزاد سیاسی بدست می آید و تمام با آن آزاد دی تحادیه ها و واقعیت پیدا میکنند و کارگران نمیتوانند در این شکل هنبسی توده ای متشکل شوند؟ یا اینکه با انتظار یک اعتلاء پر دامنه جنبش توده ای نشست تا شوراها ایجاد گردند؟ خیر! از هم اکنون و تحت همین شرایط موجود باید برای متشکل ساختن کارگران تلاش کرد. منتها باید تشکلی را در برابر کارگران قرار داد که بنا سطح مبارزاتی کنونی توده های کارگر و شوراها را اختنا قوسرکوب حاکم بر ایران همخوانی و انطباق داشته باشد. سازمان کمیته های مخفی کارخانه را مناسبترین شکل تشکلی کارگری در وضعیت موجود میدانند.

دلالتی که وجود کمیته های مخفی کارخانه را ایجاد میکند، به مجموعه اوضاع سیاسی حاکم بر ایران و سطح مبارزه کارگری مربوط میگردد. کارگران ایرانی در شرایطی به مبارزه خود ادامه میدهند که دیکتاتورهای عمیق حاکم نه تنها کارگران را از حقوق تشکلی محروم ساخته و مبارزات آنها را سرکوب میکند، بلکه هر تلاش کارگران را برای ایجاد تشکلی

مستقل در نطفه خفه مینماید. پیشروترین و آگاهترین کارگران را اخراج، دستگیر، زندانی و حتی اعدام می کند. کارگران که از داشتن تشکلی ها سراسری، تشکلی در یک رشته صنعت و یا حتی در یک کارخانه محروم اند در مینتهای پراکنده میسر میگردند. برغم اینکه شکل عمده مبارزه کارگران هنوز اقتصاد دایست و عمدتاً مطالبات اقتصاد دیورفا هی زسوی کارگران مطرح میگردد، اما در شرایط زوال سرمایه داری و بحرانهای اقتصاد دی و خیم، در شرایطی که دیکتاتورهای عمیق حاکم بر ایران هر مطالبه ولو منصفی و جزئی کارگران را سرکوب مینماید و لذا جنبش خصلت سیاسی خود میگیرد و هر آن مکان عمده شدن تشکلی سیاسی مبارزه طبقه کارگر وجود دارد، وجود آن تشکلی ضروریست که پاسخگوی مجموعه وضعیت باشد، یعنی اولاً - تشکلی باشد که متناسب با شرایط سرکوب و اختنا قیام شود و بون اینکه رژیم به آن لطمه جدی وارد آورد بتواند کارگران را متشکل و مبارزه آنها را سازماندهی و رهبری نماید. ثانیاً - تشکلی منعطف و تحول پذیر باشد که هم بتواند به مطالبات و مبارزات اقتصاد دی کارگران بویژه در مقطع کنونی هم به مطالبات و مبارزات سیاسی آنها پاسخ گوید. این تشکلی در وضعیت موجود نتواند تا دیه است و نه شورا. بلکه کمیته مخفی کارخانه است. یعنی نمیتوان کارگران را از ایجاد تشکلی سراسری علنی منصفی آغا نمود و نه از ارگانهای کسب قدرت و اعمال حاکمیت. بلکه باید کارگران را از ایجاد کمیته های مخفی در سطح هر کارخانه آغساز نمود. چگونه؟

در هر کارخانه و موسسه تولیدی بتعداد دیولو محدود از آگاهترین و پیشروترین کارگران که به ضرورت مبارزه متشکل طبقه کارگر و قوف دارند، کمیته ای را تشکیل میدهند که در آغا مخفی است تا رژیم نتواند اعضاء آنرا شناسا شود دستگیر و کمیته را متلاشی سازد. کمیته محض تشکلی فعلا نه در سازماندهی مبارزات کارگران کارخانه و فرموله کردن و تحقق مطالبات آنها در هر سطحی که قرار داشته باشد مشارکت مینماید. کمیته میکوشد با مداخله فعال در مبارزه کارگران، تدریجاً اعتبار دموومسی کارگران و حما و پیشتیبانی آنها را بدست آورد و در همین روند کارگرنی را که به ضرورت مبارزه متشکل علیه رژیم پی برده اند در صفوف خود متشکل سازد. در عین حال کمیته های مخفی خود را صرفاً به امور یک کارخانه محدود نمیکنند، برای اینکه بتوانند گامهای موثری در جهت تشکلی و اتحاد کارگران بردارند، همینکه استحکام لازم را بدست آوردند باید بکوشند قبل از هر چیز با کمیته های کارخانه در دیگر کارخانهها و موسسات یک رشته معین صنعت ارتباط برقرار نمایند. فعالیت های خود را هماهنگ سازند، به ایجاد کمیته های مخفی در کارخانه های دیگری ای رسانند تا زمانیکه در مراحل پیشرفته تر نتوانند ارگانهای و اخبر هبری و سراسری ایجاد نمایند. آیا این شکل حرکت در جهت تشکلی در میان کارگران با واقعیتها و موجود همخوانی دارد یا نه؟ قطعاً کسی

که با وضعیت ایران و شرایط جنبش کارگری آشنا می باشد، نمیتواند با این سوال پاسخ منصفی دهد. چون اولاً - ایجاد این تشکلی در این محدوده در توان کارگران ایران و سطح مبارزه و آگاهی آنهاست.

ثانیاً - خطری جدی از جانب رژیم، کارگران نیویژه کارگران پیشرو را تهدید نمی کند. حتی جریانی است که با تشکلی کمیته های مخفی کارخانه مخالفت دارند، در این مورد هیچ حرفی برای گفتن ندارند. منتها آنها از زوا یا دیدگر و بعضاً رت صریح تر با توجهات دیگر کمیته های مخفی کارخانه را نفی میکنند. مثلاً از آنجا نیکه کمیته های مخفی کارخانه باید اعدا با ابتکار کارگران پیشرو ایجاد شوند و طبیعتاً کارگران کمونیست بعلت سطح بالای آگاهی و تجربه مبارزاتی در این زمینه ابتکار و پیشگامی نشان میدهند، برخی ها ادعا میکنند که این تشکلی ها نه تشکلی های غیر حزبی بلکه تشکلی های حزبی اند. در حالیکه این مسئله مطلقاً واقعیت ندارد. از اینکه کارگران پیشرو آگاه باید در ایجاد کمیته های مخفی پیشقدم باشند و ابتکار عمل را در دست داشته باشند، بهیچوجه این نتیجه بدست نمی آید که این کمیته ها، کمیته های حزبی هستند. کمیته مخفی کارخانه تنها در برگیرنده کارگران کمونیست نیست بلکه در برگیرنده کلیه کارگرنی خواهد بود که مستقلاً از اعتقاد تا ایدئولوژیک سیاسی و وابستگی سازمانی مبارزه علیه سرمایه داران بر خاسته اند. تنها محدودیتی که وجود دارد اینست که عوام رژیم و اردانشوند. بنا بر این، کمیته کارخانه نه یک تشکلی حزبی بلکه یک تشکلی غیر حزبی است. اما روشن است که کمونیستها در این تشکلی غیر حزبی کارگرنی همچون دیگر تشکلی های غیر حزبی کارگرنی تلاش میکنند تا از طریق فعالیت و از خود گذشتگی، از طریق پیگیری در مبارزه برای تحقق خواستها کارگران، از طریق اراده روشها و تکنیکهای درست مبارزاتی و با ننتیجه از طریق کسب توریته و نفوذ معنوی و اخلاقی، رهبری کمیته را بدست بگیرند. و از طریق یک خط مشی پیگیری، رهبری آگاه و سازمان پذیر، روحیه رزمندگی مبارزه جوشی را در کمیته ها تقویت نمایند. مسئله دیگری که از جانب مخالفین کمیته های کارخانه در رد این کمیته ها عنوان میشود همانا خصلت تحول پذیر و نقش آنها در مبارزه اقتصاد دی و سیاسی کارگرنی است.

اشاره کردیم که کمیته های کارخانه میتوانند در مبارزات اقتصاد دی و سیاسی مبارزه کنند. در مقطع کنونی که کارگران عمدتاً مطالبات اقتصاد دیورفا هی مطرح میکنند، کمیته ها مبارزه کارگران را بر سایر مطالبات سازماندهی و رهبری میکنند. اما کمیته کارخانه یک تشکلی پایداری نیست و از این رو قابلیت اعطاف و تحول پذیر دارد. کمیته ها از آغا نیک تشکلی ثابت و پایداری و انطباق اقتصاد دی سیاسی نیستند. روند تحول و اوضاع است که وظایف و سرنوشت آنها را تعیین میکند. اگر اوضاع اقتصاد دی و سیاسی در ایران بحران نیتر شود و

پیش از این نیز در مصوبات سازمانی ما و مقالات نشریه کا ر توضیح داده شده است که کمیته‌های ایران بمنظور متشکل ساختن و آگاه نمودن کارگران موظفند در هر تشکل علنی نیز با این شرط که ابسزار سرکوب و تحقیق نباشند شرکت کنند. سازمان ما تصریح کرده است که با بیدارگری تعارض و تضاد ندارد. صرفاً جهت متشکل ساختن کارگران تلاش نمود، اما به توهم در این تشکل‌ها من نزدیک به هر گونه توهمی نسبت به تعارض و تضاد آنها مبارزه کرد. سازمان ما تصریح کرده است که با بدحسی از طریق ایجاد انجمن‌ها و جوامع فرهنگی، هنری و ورزشی علنی و نیمه علنی، قانونی و نیمه قانونی در جهت متشکل ساختن و آگاه نمودن کارگران تلاش نمود. از هر وسیله و لوگوچک‌ونا چیزی که بتواند در خدمت تشکل و آگاه‌سازی کارگران باشد با ایداستفاده نمود. معهداً کمیته کا رخانه نقش و اهمیت ویژه خود را در دو هیچیک از این اشکال نمیتوانند جایگزین آن گردند. بیگانه تبدیل در شرایط موجود برای متشکل ساختن کارگران کمیته‌های مخفی کا رخانه است.

سرنگون کنند، و یا اینکه از هم اکنون دست‌بکار سازمان ندهی تشکل‌های غیر حزبی شد. دست‌بکار ایجا دچنین تشکلی در شرایط کنونی شدن معنای دیگری جز سازمان ندهی مخفی نخواهد داشت و این تشکل مخفی هم چیز دیگری نیست مگر کمیته‌های مخفی کا رخانه. بنا بر این روشن است که امروزه تشکل‌ها از طریق ایجا د کمیته‌های مخفی کا رخانه میتوان گامی جدی در جهت تشکل کارگران برداشت امری که تا محدودهای و لوگوچک هم اکنون انجام نیز گرفته و مبتکر آن نیز خود کارگران آگاه و پیشرو کا رخانه بوده اند. وظیفه اصلی در این مورد بر عهده کارگران پیشروست که برای متشکل ساختن هم زنجیران خود سازمان ندهی مبارزه آنها علیه سرمایه تلاش میکنند در جهت ایجا د کمیته‌های مخفی کا رخانه گام بر میدارند. در پایان این نوشته لازم است با ردیگر این نکته نیز تصریح شود که تا کید سازمان ما بر کمیته‌های مخفی کا رخانه، که اخیراً کنفرانس چهارم سازمان نیز مجدداً بر آن تأکید نمود، هرگز معنای نفی و انکار فعالیت در تشکل‌های قانونی، علنی، و نیمه علنی نبوده و نیست.

توأم با آن سطح مبارزه کارگران ارتقاء یا بسد، کمیته‌های که اکنون عمدتاً وظیفه سازمان ندهی مبارزه اقتصاد کارگران را بر عهده دارند، با وظایف نوینی روبرو میگردند و توأم با این وظایف جدید متحول میشوند و ارتقاء می‌یابند، مثلاً در شرایط بحران سیاسی حاد کمیته‌های اعتماد با ارتقاء می‌یابند، یا کمیته‌های اعتماد با زبطن آنها شکل میگیرد و چنانچه روند تحول و وضعیت اعتماد عمومی سیاسی بیانجامد، به شوراها یا کارخانه ارتقاء می‌یابند، وظیفه کنترل کارگری بر عهده میگیرند، که با لقبه متضمن قدرت دوگانه در سراسر کشور است. بدین ترتیب کمیته‌هایی که در آغاز محدود، مخفی و پراکنده هستند، توأم با رشد جنبش خصلت‌کا ملاً بهم پیوسته و سراسری نیز گسب می‌نمایند. اما اگر این روند بنحوی که تصویر شد پیش‌رو دور و دوری معکوس طی گردد، آنگاه نیز همین کمیته‌های مخفی هستند که میتوانند پایه تشکل‌های اتحادیه‌سراسری را بریزند و آنرا ایجا دکند. مخالفین کمیته‌های کارخانه از خصلت تحول‌پذیری کمیته‌ها و از اینکه کمیته‌ها میتوانند بنا به وضعیت تحول مطالبات اقتصاد سیاسی مبارزه کارگران را سازمان ندهی و رهبری کنند، در تعجب اند. و آنرا غیرا دی و متناقض مینامند. اما اگر اینان به تجارب شکل‌گیری کمیته‌های کارخانه در پاره‌ای از کشورهای جهان که در شرایط بحران اقتصاد دیوا زهم گسیختگی یا در تقابل با بوروکراسی اتحادیه‌ای پدید آمدن در جوامع میگردند درمی‌یافتند که این کمیته‌ها در آغاز شکل‌گیری خود عمدتاً مبارزه اقتصاد دی طبقه کارگران را حول مطالبات اقتصاد سیاسی سازمان ندهی می‌نمودند و سپس تحول یافتند و وظایف سیاسی آنها عمده گردید. در برخی موارد نیز همین کمیته‌ها سلول‌های اتحادیه‌ها در کارخانه‌ها شدند. پس نه تنها قضی در اینجا موجود است و نه امر غیرا دی و خارج از قواعد وجود دارد. اگر کمیته‌ها از دیدگاه برخی افراد سادگان اندیش‌سی غیرا دی جلوه میکنند، بهتر است به اوضاع غیرا دی‌جا معه نظر بیا فکنند و دلیل غیرا دی بودن این تشکل‌ها در شرایط غیرا دی‌جا معه ایران جستجو کنند. از این گذشته این جریانات که عمدتاً کسانی هستند که شعرا را اتحادیه را عنوان میکنند، با این واقعیت هم توجهی ندارند که در کشوری نظیر ایران و حاکمیت جمهوری اسلامی اگر قرار باشد اتحادیه‌ها نیز شکل بگیرند، سنگ بنای آنها همین کمیته‌های مخفی کا رخانه است. چرا که عجلتاً در ایران آزادی سیاسی وجود ندارد. آزادی تشکل‌ها اتحادیه هم وجود ندارد. کارگران هم عجلتاً نمیتوانند اتحادیه‌ها را ایجا دکند. پس چه باید کرد؟ یا بسد نیست از سازماندهی و ایجا د تشکل‌های غیر حزبی برداشت و با انتظار سرنگونی رژیم و گسب آزادی نشست، و البته اینهم حقیقتی است که رژیم خود بخود سرنگون نمیشود، مگر آنکه توده‌های گه از حد اقل تشکل برخوردار باشند، بی‌خیزند و آنسرا